

جایگاه و مبانی اقتصاد هزینه‌ی مبادله

الیاس نادران

دانشیار دانشکده‌ی اقتصاد دانشگاه تهران enaderan@ut.ac.ir

محمدرضا شکوهی*

دکترای اقتصاد از دانشگاه تهران shokouhi72@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۰/۷/۲۵ تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۲/۱

چکیده

اقتصاد هزینه‌ی مبادله به عنوان زیر مجموعه‌ای از اقتصاد نهادگرایی جدید، تلفیقی از علوم اقتصاد، سازمان و حقوق است که چهره‌ی معروف آن یعنی اولیور ویلیامسون توانسته جایزه‌ی نوبل علم اقتصاد در سال ۲۰۰۹ را به خود اختصاص دهد. مسأله‌ی محوری در اقتصاد هزینه‌ی مبادله، چگونگی تبعیت نهادها از ویژگی‌های مبادلات است که اتخاذ تصمیم ساخت یا خرید و یا ادغام عمودی را می‌توان به عنوان مصداق اصلی آن به حساب آورد. عملیاتی کردن این مسأله‌ی محوری با توجه به فرضیه‌ی تنظیم تبعیضی انجام می‌پذیرد. طبق این فرضیه، ساختار سازمان‌دهی با ویژگی‌های مبادلات به‌صورتی تنظیم می‌شود که هزینه‌های مبادلاتی در کل حداقل شوند. با توجه به نتایج مطالعات تجربی به نظر می‌رسد که اقتصاد هزینه‌ی مبادله توانسته است پاسخ مناسبی به نیاز مدیران برای اتخاذ تصمیمات ساخت یا خرید بدهد. لذا شناخت جایگاه و مبانی اقتصاد هزینه‌ی مبادله که با توجه به کاربردهای متنوع آن امروزه به نوعی علم میان‌رشته‌ای نیز محسوب می‌شود، هدف مقاله‌ی حاضر را تشکیل می‌دهد.

طبقه‌بندی JEL: D23; L22; L24

کلید واژه: نهاد، اقتصاد نهادگرایی جدید، اقتصاد هزینه‌ی مبادله، سازمان.

۱- مقدمه

نهادها آداب انجام امور هستند. طبعاً برای اجرای هر امری، انجام آداب^۱ خاص آن مورد نیاز است که ممکن است این آداب برای انجام امر ذیربط فزونی، نقصان یا تناسب داشته باشند، اما آن چه که مهم است اهمیت وجود آداب می‌باشد. هم‌چنین نهادها از دیدگاه‌های مختلف و به لحاظ قضاوت ارزشی می‌توانند دارای ارزش مثبت یا منفی باشند. مفاهیمی هم‌چون نهاد، نهادگرایی، نهادی شدن و... از جمله مفاهیمی هستند که درک چپستی آن‌ها نیاز به تعمق بسیار دارد. در یک کلام مفهوم و اهمیت نهاد را می‌توان به مانند نخ و سوزنی دانست که نه تنها زمینه‌های مختلف علوم را به یکدیگر پیوند داده، بلکه شیرازه‌ی زندگی اجتماعی بشر را نیز پدید آورده است.^۲ در تاریخ علم اقتصاد، ابتدا نهادگرایان قدیم به مفهوم نهاد توجه ویژه‌ای نشان داده‌اند. در مقابل در اقتصاد نئوکلاسیک، تأکید غالب نظریه بر ابزار اقتصادی بوده است. در این میان رهیافت اقتصاد نهادگرایی جدید (NIE)^۳ به عنوان حد واسطه دو رویکرد اقتصاد نئوکلاسیک و اقتصاد نهادگرایی قدیم به شمار آمده و با اهمیت دادن به نقش نهادها و استفاده‌ی هم‌زمان از ابزار اقتصادی سعی در ارائه‌ی تحلیل‌های واقعی‌تری از مسائل مختلف بشری داشته است.^۴ در این میان اقتصاد هزینه‌ی مبادله (TCE)،^۵ به عنوان زیر مجموعه‌ای از اقتصاد نهادگرایی جدید، با ارائه‌ی نظریاتی که نسبتاً ساده بوده و قابلیت عملیاتی‌سازی نیز دارند، توانسته است خود را به عنوان یک دستاورد نسبتاً موفق به جهان علم معرفی کند.^۶

۱- مفهوم آداب در این زمینه بسیار گسترده است و به نوعی تمام دلالت‌های عرفی، شرعی، قوانین، مقررات، و ... را دربرمی‌گیرد.

۲- هم‌چنین قلی‌پور (۱۳۸۴ ص ۱۴)، مراد از نهاد را موجودیتی عینی بیرونی و ذهنیت درونی عنوان نموده است. هم‌چنین نورث (۱۹۹۰)، نهادها را قوانین بازی در جامعه دانسته است، در حالی که دسته‌ی دیگری از اقتصاددانان، نهادها را به عنوان استراتژی‌های تعادل بازیگران یک بازی در نظر می‌گیرند. می‌توان گفت که گروه اول نهادها را آگاهانه و طراحی شده می‌دانند، در حالی که دسته‌ی دوم نهادها را به صورت خودجوش در نظر می‌گیرند. در این زمینه به مطالعه‌ی قلی‌پور (۱۳۸۴)، صص ۸۱-۸۰ مراجعه شود.

3- New Institutional Economics (NIE).

۴- لازم به یادآوری است که به مانند مکتب اقتصاد نئوکلاسیک، اقتصاد نهادگرایی جدید نیز فردگرایی روش‌شناختی را می‌پذیرد.

5- Transaction Cost Economics (TCE).

۶- متون متنوع اقتصادی، اقتصاد نهادگرایی جدید را به شعبی تقسیم می‌کنند. اقتصاد هزینه‌ی مبادله شاخه‌ی سازمان‌دهی آن به حساب می‌آید و رونالد کوز و اولیور ویلیامسون، چهره‌های شناخته شده‌ی این شاخه از اقتصاد به حساب می‌آیند. در مقابل این شاخه، شاخه‌هایی چون سنجش هزینه (بارزل، ۱۹۸۲)، تئوری کارگزار (جنسن و مکلینگ ۱۹۷۶، فاما ۱۹۸۰، فاما و جنسن ۱۹۸۳) یا شاخه‌ی محیط نهادی (نورث ۱۹۹۰) قرار دارند. هم‌چنین بنگرید به ماچر و ریچمن (۲۰۰۸).

در کلیت موضوع، اقتصاد هزینه‌ی مبادله یکی از نظریاتی است که برای پاسخ به مسائل مدیریتی بنگاه نوین تدوین یافته است. در این راستا پرسش اساسی پیش روی تصمیم‌سازان بنگاه بدین صورت قابل بیان است: بنگاه چه اموری را خود به عهده گیرد و چه فعالیت‌هایی را از طریق بنگاه‌های مستقل بازاری انجام دهد.^۱ این موضوع به عنوان ترسیم مرزهای عمودی یا همان تصمیم ساخت یا خرید شناخته می‌شود، لذا می‌توان بیان داشت هر موضوعی که در قالب تصمیم ساخت یا خرید^۲ و یا ادغام عمودی^۳ قابل فرموله کردن باشد، با استفاده از ادبیات اقتصاد هزینه‌ی مبادله نیز قابل تحلیل است. در این راستا نظریه‌ی اقتصاد هزینه‌ی مبادله در هسته‌ی مباحث خود عمدتاً نهادها (سازمان‌ها یا ساختارهای سازمان‌دهی) را به عنوان تابعی از صفات یا ویژگی‌های مبادلات دانسته و با تعمیم این موضوع به اتخاذ تصمیمات ساخت یا خرید توانسته است به‌طور نسبتاً مناسبی دغدغه‌ی مدیران را در زمینه‌ی مسائل ادغام عمودی پاسخ گوید. در این راستا معرفی جایگاه و مبانی اقتصاد هزینه‌ی مبادله که با توجه به کاربردهایش امروزه به علمی میان‌رشته‌ای تبدیل شده، هدف مقاله‌ی حاضر را تشکیل می‌دهد. لذا در ابتدا جایگاه اقتصاد هزینه‌ی مبادله در علم اقتصاد به قصد درک بهتر موضوع، ارائه و سپس مبانی آن با ذکر فروض و روش تحلیل معرفی می‌شود. در این بخش مفهوم تصمیم ساخت یا خرید، سازمان‌دهی، فرضیه‌ی تنظیم تبعیضی^۴، چگونگی حرکت از سیستم بازار به سمت نظام سلسله مراتب و برخی نکات دیگر به همراه سیر تحول نظریات ویلیامسون مطرح و در انتها نیز خلاصه و نتیجه‌گیری ارائه شده است.^۵

۲- جایگاه اقتصاد هزینه‌ی مبادله

طی نیم قرن گذشته اقتصاد نهادگرا در کالبد اقتصاد نهادگرای جدید و در جهت پوشش ضعف‌های مکاتب اقتصاد نئوکلاسیک و اقتصاد نهادگرای قدیم، بر مبنای عقاید برگرفته از رویکرد هزینه‌های مبادلاتی نظریه پردازانی هم‌چون کوز، نورث و

۱- برای بررسی بیش‌تر به مطالعات بزاتکو و دیگران (۲۰۰۴) مراجعه شود.

2- Make or Buy Decision.

3- Vertical Integration.

4- The Discriminating Alignment Hypothesis.

۵ - لازم به ذکر است که حجم اولیه مقاله بیش از مقدار حاضر بود به نحوی که کاربردها را نیز در بر داشت اما بنا به محدودیت‌های چاپ ارائه‌ی آنها مقدور نگردید.

ویلیامسون^۱، تجدید ساختار و پوست‌اندازی قابل توجهی داشته است.^۲ این فرایند که توسط مطالعات کوز (۱۹۶۰ و ۱۹۳۷)^۳ شروع شده، توسط نظریه پردازانی هم‌چون نورث، دمستز، آلچیان،^۴ ویلیامسون و ... توسعه یافته است. حال وقت مطرح کردن این پرسش است که مکتب اقتصاد هزینه‌ی مبادله چیست و چه دلالت‌هایی دارد، اما پیش از آن لازم است جایگاه یا آدرس آن در تحلیل‌های اجتماعی مشخص شود. این کار از آن جهت اهمیت دارد که یک چشم‌انداز گسترده برای تحلیل‌های عمیق‌تر مسائل بشری پیش روی ما می‌گشاید و هم‌چنین کمک می‌کند که نقطه‌ی پیدایش این مکتب بهتر شناخته شده و تعاملات آن با سایر نظریات بهتر درک شود، لذا در ابتدا با الهام از آثار اولیور ویلیامسون^۵، تحلیل‌های اجتماعی را به چهار سطح مطابق نمودار یک در هیأتی هرم مانند تقسیم‌بندی می‌شود.

در سطوح نمودار یک، قیود، عمدتاً از سطوح پایین به سطوح بالاتر تحمیل شده و سطوح زیرین نیز معمولاً از سطوح بالا بازخورد دارند. بنابراین چهار سطح ارائه شده در نمودار یک نشان‌دهنده‌ی یک سیستم پویای اجتماعی می‌باشد. لازم به ذکر است که اقتصاد نهاد‌گرای جدید عمدتاً در تعامل با سطوح دو و سه است.^۶ در این نمودار، اگرچه سطوح تحلیل با یکدیگر تعامل مداوم دارند، اما ارتباط آن‌ها معمولاً به این صورت است

1- Coase, North and Williamson.

۲- معمولاً چنین گفته می‌شود که اقتصاد نئوکلاسیک مکتب غالب و یا جریان حاکم در علم اقتصاد است. به نظر می‌رسد که این جمله چندان صحیح نباشد، یعنی این که بهتر است گفته شود اقتصاد نئوکلاسیک ابزار آموزشی مناسب‌تری برای آموزش علم اقتصاد است نه این که جریان حاکم است. با توجه به تحولات کلی سالیان اخیر، مطالعات تجربی انجام گرفته و واقعیات جهان، چنین به نظر می‌رسد که مکتب اقتصاد نهاد‌گرای جدید که به نوعی بینابین مکتب اقتصاد نهاد‌گرای قدیم و اقتصاد نئوکلاسیک حرکت می‌کند، جریان غالب جهت تبیین مسائل جهان واقع است. به عبارتی دیگر می‌توان چنین بیان داشت که شروع آموزش با اقتصاد نهاد‌گرا دشوار است، لذا آموزش دانشجو با اقتصاد نئوکلاسیک شروع شده است، اما جهت تحقیقات به تدریج به سمت نهاد‌گرایی می‌باشد تا تفسیرهای صحیح‌تری از دنیای واقع به دست آید. شاهد این مدعا حجم بالای تحقیقات کاربردی علم اقتصاد با رویکرد نهاد‌گرایی جدید جهت تبیین و پیش‌بینی واقعیات جهان است.

۳- نام این دو مقاله ماهیت بنگاه و مسأله‌ی هزینه‌ی اجتماعی است. در ابتدا مطالعات کوز چندان مورد توجه قرار نگرفت، اما بعدها به عنوان مطالعات مبنایی برای مکاتبی هم‌چون اقتصاد حقوق مالکیت و اقتصاد هزینه‌ی مبادله مورد استناد فراوان قرار گرفت.

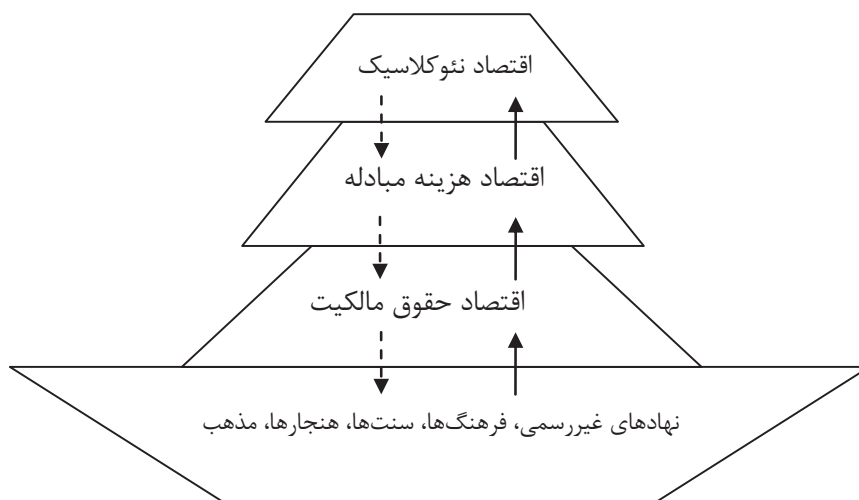
4- Alchian.

۵- ویلیامسون (۲۰۰۰)، ترجمه‌ی این مقاله در ویلیامسون (۲۰۰۰) (منابع فارسی) نیز ارائه شده است.

6- Feedback.

۷- لازم به ذکر است که در چیدمان ویلیامسون این سطوح به صورت سطری و از بالا به پایین قرار دارند، اما نگارنده با پیروی از ساخت یک بنا و یا عملکرد یک هرم اجتماعی، چیدمان سطوح تحلیل اجتماعی را در مشکلی هرم مانند و از پایین به بالا، بهتر تشخیص داده است. سطوح دوم تا چهارم در محدوده‌ی سطح اول قرار داشته و با یکدیگر نیز تبادل دارند، اما به‌طور کامل زیرمجموعه‌ی یکدیگر قرار نمی‌گیرند که این مهم از تصویر استنباط می‌شود. هم‌چنین سطح چهارم نیز آخرین سطح نیست و تفکرات دیگر نیز ممکن است حسب مورد، در طبقات فوقانی آن قرار گیرند.

که سطوح تحتانی تأثیر بیش‌تری بر سطوح فوقانی می‌گذارند. سطح یک، تحلیل مسائل مرتبط با مذهب، سنت‌ها، هنجارها و... را بررسی می‌کند که اگرچه از سوی برخی اقتصاددانان تاریخی و مذهبی مورد توجه قرار گرفته است، اما تحلیل مسائل آن بیش‌تر از سوی سایر دانشمندان علوم اجتماعی و مذهبی انجام می‌پذیرد. اقتصاددانان نهادگرا معمولاً این سطح را به صورت داده شده در نظر می‌گیرند. لازم به یادآوری است که باوجود ضعف تحلیلی مکاتب غربی به خصوص در سطح اول، اسلام می‌تواند به خوبی زیربنای تحلیلی مناسب را برای همه‌ی سطوح فراهم آورد، لذا با توجه به روش بحث، اهمیت نقش اقتصاد اسلامی برجسته‌تر می‌شود.



نمودار ۱- چهار سطح تحلیل اجتماعی

سطح دوم تحلیل اجتماعی، محیط نهادی نامیده شده است. تعریف و اعمال حقوق مالکیت به همراه قوانین قراردادهای مربوطه به آن از اصلی‌ترین ویژگی‌های سطح دوم هستند. تحقیقات اقتصاد حقوق مالکیت که در سطح دوم تحلیل اجتماعی قرار می‌گیرند نیز به‌طور عمده با انتشار مقاله‌ی کوز (۱۹۶۰)، رشد تحلیلی خود را آغاز کرده‌اند. به‌طور خلاصه دستاورد مکتب اقتصاد حقوق مالکیت را می‌توان چنین بیان داشت: در صورتی یک سیستم مالکیت خصوصی عملکردی مناسب دارد که افراد متمایل به استفاده از منابع، مبلغ آن را به صاحبش بپردازند و این مهم در بستر تعریف و اعمال حقوق مالکیت تبلور می‌یابد. در یک چنین محیط نهادی از یک‌سو هرج و مرج ناپدید شده و از

سوی دیگر نقش دولت کمرنگ می‌شود. البته همراه با رخداد این مسائل وجود یک سیستم قانونی و قضایی که حقوق مالکیت را تعریف کند و همچنین قضاوت دعاوی به خصوص در جهت اعمال حقوق مالکیت را نیز بر عهده گیرد، لازم و ضروری است. در این مکتب حداقل‌سازی اندازه‌ی دولت، استفاده از مکانیسم بازار و دست‌نامرئی قدرتمند در صورتی امکان‌پذیر است که از طریق سیستم و محیط ذیربط امکان تعریف و اعمال حقوق مالکیت فراهم آید. نقطه‌ی قوت این رویکرد استفاده از حقوق مالکیت در نوک پیکان تحلیل و نقطه‌ی ضعف آن غلو در ادبیات مربوطه به علت عدم توجه به هزینه‌های مبادلاتی در فرایند تعریف و اعمال حقوق مالکیت است، چرا که تعریف و اعمال حقوق مالکیت آسان و بدون هزینه نیست. این نقیصه راه را برای جولان دهی مکتب اقتصاد هزینه‌ی مبادله در سطح سوم فراهم کرده است. در این سطح نهادهای سازمان‌دهی قرار داشته و سازمان‌دهی روابط قراردادی و مدیریت آن‌ها در کانون تحلیل قرار می‌گیرند که در جای خود به عنوان موضوع مقاله پیش‌تر به آن پرداخته خواهد شد. سطح چهارم نیز متضمن اقتصاد نئوکلاسیک و تئوری کارگزار^۱ است. اقتصاد نئوکلاسیک عمدتاً بر پذیرش فراگیر نقش ابزارهای اقتصادی و نفی چشم‌گیر نقش نهادها در تحلیل‌ها بنا شده است. مفروضات مکتب نئوکلاسیک به نسبت مشتمل بر مواردی هم‌چون حداکثرسازی مطلوبیت همراه با انتخاب عقلایی کنش‌گران^۲، صفر بودن هزینه‌های مبادلاتی، مشخص بودن حقوق مالکیت در بازارهای رقابتی، مشخص و ثابت بودن ترجیحات، تعادلی بودن پیامدها، داوطلبانه بودن مبادلات و... قرار داده شده است. نظریه‌ی کارگزاری نیز مواردی هم‌چون عدم تقارن اطلاعات، تنظیم انگیزه‌ها از قبل^۳ و ریسک‌پذیری کارا^۴ را مورد بحث قرار می‌دهد.^۵

۳- مبانی اقتصاد هزینه‌ی مبادله

نقطه‌ی پیدایش مباحث اقتصاد هزینه‌ی مبادله را می‌توان مقاله‌ی بنیادی کوز (۱۹۳۷) دانست. کوز در این مقاله می‌پرسد که اگر بازار سازوکار تخصیص منابع

1- Agency Theory.

۲- فرض عقلانیت کامل یا ابزاری.

3- Ex-ante Incentive Alignment.

4- Efficient Risk Bearing.

۵- توضیحات بیش‌تر را در ویلیامسون (۲۰۰۰) ببینید. هم‌چنین برای مطالعه‌ی بیش‌تر پیرامون اقتصاد حقوق مالکیت، بنگرید به (Colombatto 2004).

است پس چرا بنگاه به وجود می‌آید؟ در پاسخ به این پرسش، کوز بحث هزینه‌های مبادلاتی را مطرح می‌سازد و چنین اظهار می‌دارد که استفاده از مکانیزم بازار بدون هزینه نیست بلکه در بردارنده‌ی هزینه‌های مبادلاتی است. این ایده‌ی اولیه‌ی کوز بعدها به توسط ویلیامسون بسط و گسترش داده می‌شود. در اقتصاد هزینه‌ی مبادله مدیران بنگاه با استفاده از تحلیل هزینه-فایده (حداقل به طور ذهنی)، انجام فعالیت نوعی را در صورت لزوم به جای تهیه از طریق سازوکار بازار در داخل بنگاه تعهد می‌نمایند و یا به عبارتی دیگر دست به ادغام عمودی می‌زنند. این مسأله به عنوان تصمیم ساخت یا خرید شناخته شده و به عنوان نقطه‌ی معیار شروع تحلیل‌های اقتصاد هزینه‌ی مبادله و یا به نوعی مسأله‌ی محوری آن به حساب می‌آید.

اقتصاد هزینه‌ی مبادله دو فرض مبنایی را محور مطالعات خود قرار می‌دهد: اول عقلانیت محدود^۱، بدین معنی که رفتار کنش‌گران به گونه‌ای است که قصد عقلایی رفتار کردن را دارند، اما به دلیل اطلاعات ناقص و ضعف توان محاسباتی، عقلانیت محدود است. نتیجه‌ی چنین فرضی عدم امکان انعقاد قراردادهای کامل یا به عبارت دیگر وجود قراردادهای ناقص است. فرض دوم فرض فرصت‌طلبی^۲ است بدین معنی که نفع شخصی، با مکر جستجو می‌گردد. به عبارت دیگر این فرض امکان سوءاستفاده از نواقص قراردادها را منتفی نمی‌داند.^۳

ویلیامسون در تحلیل‌های خود بر کلمه‌ی Governance تأکید خاصی^۴ دارد.^۵ از این واژه برای ارزیابی سودمندی سبک‌های جایگزین سازمان‌دهی استفاده می‌شود و لذا

1- Bounded Rationality.

2- Opportunism.

۳- این به این معنی نیست که همه‌ی افراد از نواقص قراردادها سوء استفاده می‌کنند، بلکه این فرض امکان سوء استفاده را رد نمی‌کند.

۴- برای یافتن معادل مناسب Governance، نگارنده با دانشمندان برجسته‌ی اقتصاد هزینه‌ی مبادله مکاتباتی به عمل آورده است تا نزدیک‌ترین مترادف را برای این واژه، حداقل در چارچوب اقتصاد هزینه‌ی مبادله بیابد. حاصل این بوده است که واژه‌ی Organization بر حسب پیشنهاد پرفسور اسکات مستن (Scott Masten)، چهره‌ی سرشناس اقتصاد هزینه‌ی مبادله در روش بحث عمدتاً معنای سازمان‌دهی می‌دهد، برای مثال می‌توان چنین بیان کرد که بازارها و ادغام عمودی دو شیوه‌ی سازمان‌دهی هستند. در این چارچوب، سازمان‌دهی طریقه یا وسیله‌ای است که به وسیله‌ی آن مبادله‌گران تعاملات خود را اداره یا تنظیم می‌کنند. بدین وسیله از پرفسور اسکات مستن به دلیل این توصیه و سایر نکات و راهنمایی‌ها که در تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است، سپاس‌گزاری می‌شود.

۵- برای مطالعه‌ی بیش‌تر در این زمینه بنگرید به ویلیامسون (۲۰۰۵a).

موضوع مورد علاقه چگونگی اثرگذاری نظم صحیح از طریق سازوکار سازمان‌دهی است. یک ساختار سازمان‌دهی به مانند یک چارچوب نهادی، اندیشه‌ی مفیدی است که از طریق آن در مورد درستی مبادله یا مجموعه‌ی مبادلات، تصمیم‌گیری می‌شود. در این راستا جان آر. کامونز^۱، استدلال مفهومی در ارتباط با موضوع را با پافشاری بر چنین نکته‌ای پیش‌بینی کرده است: "غایت واحد فعالیت ... باید درخودش دربردارنده‌ی سه اصل تضاد، دو طرفه بودن و نظم^۲ باشد. این واحد یک مبادله است" (کامونز، ۱۹۳۲، ص ۴). در تبعیت از این نکات، نه فقط اقتصاد هزینه‌ی مبادله می‌پذیرد که مبادله واحد تحلیل است، بلکه سازمان‌دهی را وسیله‌ای می‌داند که از طریق آن نظم، تهدید تضاد بالقوه را خنثی کرده یا کاهش می‌دهد، بنابراین فرصت‌هایی برای تحقق منافع دوطرفه حاصل می‌شود. پس از این که واحد تحلیل، مورد مبادله قرار گرفت، سئوالی که بایستی به آن پاسخ داده شود این است: ابعاد اصلی‌ای که مبادلات را متفاوت می‌کنند، کدامند؟^۳ هم‌چنین از آن‌جا که نظم از طریق سازمان‌دهی اجرا می‌شود، لذا تلاش‌های مشابه نیازمند آن است که ابعاد اصلی ساختارهای سازمان‌دهی مختلف نیز تشخیص داده شود.

رویکرد اقتصاد هزینه‌ی مبادله در تحلیل مطلب به جای رویکرد کارایی تخصیصی منتج از اقتصاد خرد نئوکلاسیک، بر کارایی تطبیقی استوار است، یعنی به جای این که تخصیصی خاص، تخصیص بهینه‌ی منابع، تلقی و سپس حرکت به سمت آن جهت‌گیری شود، شیوه‌های سازمان‌دهی جانشین، مورد تحلیل هزینه و فایده قرار می‌گیرند و سپس بهترین آن‌ها انتخاب می‌شود.^۴ نظریه‌ی هزینه‌ی مبادله، بر خطرات یا هزینه‌های مبادله از طریق سازوکار بازار دست گذاشته و وجود احتمال خطرات مبادلات بازاری را دلیلی بر تصمیمات مدیریت در ارتباط با ادغام عمودی می‌داند، اما بایستی توجه داشت که انجام فعالیت از طریق ساختار خود بنگاه نیز دربردارنده‌ی هزینه است، لذا اگر توابع ساختاری هزینه برآورد شوند، آن‌گاه می‌توان این ادعای تئوری هزینه‌ی

1- John R. Commons.

2- Conflict, Mutuality, and Order.

۳- از نظر ویلیامسون مهم‌ترین وجه پاسخ به این سؤال، اختصاصی بودن دارایی است که بدان اشاره خواهیم کرد.

۴- توضیحات کامل‌تر این بحث را می‌توان در نصیری اقدم (۱۳۸۵) جستجو کرد.

مبادله را به بوته‌ی آزمون گذاشت و وزن آن را در تناظر با اثر هزینه‌های سازمان‌دهی درونی بر مسأله‌ی ادغام عمودی سنجید.^۱

به طور خلاصه از دیدگاه اقتصاد هزینه‌ی مبادله، نهادها مشتمل بر سازمان‌ها^۲ به وسیله‌ی تنظیم ویژگی‌های مبادله با ساختارهای سازمان‌دهی متفاوت، در پی حداقل‌سازی هزینه‌های انتظاری سازمان‌دهی در طی دوران مبادله هستند. در این راستا ویژگی‌های مبادله، تعیین‌کننده‌ی سطح هزینه‌های مبادلاتی بوده و لذا رهنمودی جهت انتخاب شیوه‌ی سازمان‌دهی مناسب با حداقل هزینه نیز خواهند بود، بنابراین کمینه‌سازی هزینه‌های انتظاری ساختار سازمان‌دهی با توجه به ویژگی‌های مبادلات، تداعی‌کننده‌ی نوعی بهینه‌سازی توسط تصمیم‌سازان است. در این راستا فرضیه‌ی تنظیم تبعیضی^۳ که اقتصاد هزینه‌ی مبادله محتوای پیش‌بینی‌کننده‌ی خود را به آن مدیون است، این چنین بیان می‌شود: مبادلاتی که در صفات‌شان تفاوت دارند، با ساختارهای سازمان‌دهی متناظری تنظیم می‌شوند که در هزینه و قابلیت‌شان متفاوت هستند، بنابراین چنین تبعیضی اساساً هزینه‌ی مبادله‌ی نتایج را اقتصادی می‌کند. به عبارت دیگر مبادلات که مشتمل بر محصول واسطه‌ای، نیروی کار، تأمین مالی، محصول نهایی و ... هستند، با ساختارهای سازمان‌دهی به روشی تبعیضی، تنظیم می‌شوند و این جوهر بحث مکتب اقتصاد هزینه‌ی مبادله است.^۴

شواهد، نشان‌دهنده‌ی برتری نسبی تئوری اقتصاد هزینه‌ی مبادله نسبت به تئوری‌های هم‌تراز رقیب است که شاید بتوان راز آن را در سادگی و توانایی عملیاتی کردن فرضیه‌هایش جستجو کرد. به عبارت دیگر اقتصاد هزینه‌ی مبادله نظریه‌ای ساده است و به طور خلاصه بیان می‌کند که نهادها (سازمان‌ها) و یا ساختارهای سازمان‌دهی از ویژگی‌ها یا صفات مبادلات تبعیت می‌کنند و این را به‌طور عمده با استفاده از فرضیه‌ی تنظیم تبعیضی توسط مطالعات زیادی به بوته‌ی آزمون گذاشته است. در موارد

۱- در این ارتباط بنگرید به مستن و دیگران (۱۹۹۱).

۲- در ارتباط با بررسی رهیافت‌های اقتصادی به سازمان‌ها از منظر تئوری‌های رقیب، Douma & Schreuder (2008) منبع مطالعاتی مناسبی به شمار می‌رود. در این کتاب رهیافت‌های اقتصاد هزینه‌ی مبادله، تئوری کارفرما - کارگزار، تئوری تطوری و... در ارتباط با مباحث سازمان، مورد بحث و ارزیابی مقایسه‌ای قرار گرفته است.

3- The Discriminating Alignment Hypothesis.

۴- بنگرید به ویلیامسون (۱۹۹۶). هم‌چنین سایر آثار وی از قبیل ویلیامسون (۲۰۰۵b و ۲۰۰۲، ۱۹۹۱، ۱۹۸۶، ۱۹۸۳، ۱۹۷۹) مطالب مفیدی را در ارتباط با موضوع اقتصاد هزینه‌ی مبادله ارائه داشته‌اند.

متعددی نیز نظریه‌ی اقتصاد هزینه‌ی مبادله توان خوبی برای پیش‌بینی داشته، بدین معنی که انتظارات تئوری در آزمون‌های تجربی برآورده شده است.^۱

ویژگی‌های مبادلات در اشکالی هم‌چون اختصاصی بودن دارایی، عدم اطمینان، تکرار مبادلات، شباهت، پیچیدگی،^۲ و... با توجه به ماهیت هر مبادله مشخص می‌شوند که ویلیامسون بر اهمیت سه مورد اول تأکید بیش‌تری دارد. او در مطالعات اولیه‌ی خود وزن غالب را به عدم اطمینان و طی سالیان بعد نقش اصلی را به اختصاصی بودن دارایی داده است. اختصاصی بودن دارایی^۳ نوعی از سرمایه‌گذاری را شامل می‌شود که برای پشتیبانی از رابطه‌ای خاص الزامی است. عدم اطمینان به عدم توانایی در تشخیص احتمال رویداد و مشخص نبودن توزیع احتمال خروجی‌ها گفته می‌شود. هم‌چنین تکرار مبادلات، دفعات انجام فعالیت را عنوان می‌دارد.^۴ در این‌جا ذکر نکته‌ای مفید است و آن این‌که موضع اقتصاد هزینه‌ی مبادله در مورد ریسک، بر فرض ریسک خنثی بودن طرفین استوار است، ولی احتمالاً برای پرداختن به این موضوع مباحث بیش‌تری لازم است. آلن و لویک (۱۹۹۵)^۵، در مقاله‌ی خود به تفصیل این موضوع را بررسی کرده‌اند. آن‌ها عقیده دارند که اقتصاد هزینه‌ی مبادله تمایلی ندارد که در چارچوب خود مباحث مشکل ترجیحات ریسک را وارد کند و لذا این رویکرد را یک رویکرد ریسک خنثی می‌دانند. آن‌ها هم‌چنین برای اثبات ادعای خود به مطالعات مختلف از جمله ویلیامسون (۱۹۸۹) استناد کرده‌اند.^۶

ویلیامسون برای توضیح چگونگی حرکت مبادلات از سیستم بازار به سمت بنگاه یا نظام سلسله مراتب، در مقالات متعدد خود^۷ از یک تصویر مانند نمودار دو استفاده

۱- بنگرید به ماچر و ریچمن (۲۰۰۸) و شِلِنسکی و کلاین (۱۹۹۵) و کلاین (۲۰۰۵).

2- Asset Specificity, Uncertainty, Frequency, Similarity, Complexity.

۳- اختصاصی بودن دارایی در اشکالی هم‌چون فیزیکی، انسانی، مکانی، وقف شده و نام تجاری می‌تواند متبلور شود. البته مستن و دیگران (۱۹۹۱) نیز فرم اختصاصی بودن موقتی دارایی را نیز به این اشکال افزوده‌اند. هم‌چنین برای دیدن شرحی از مطالب مرتبط با اختصاصی بودن دارایی بنگرید به Menard and Shirley (2005) و بزانتکو و دیگران (۲۰۰۴).

۴- هم‌چنین کوز (۱۹۸۸ و ۱۹۳۷)، به عنصر شباهت در تنظیم مبادلات به عنوان عنصر مهم اعتقاد دارد. مستن و دیگران (۱۹۹۱)، این نظریه‌ی کوز را در مجموعه‌ی فرضیات خود در ارتباط با یک بنگاه صنعت کشتی‌سازی مورد آزمون قرار داده‌اند.

5- Allen and Lueck (1995).

۶- این مقاله به همراه ویلیامسون (۲۰۰۹)، مقالات خوبی جهت ارائه‌ی خلاصه نظرات ویلیامسون هستند.

۷- برای مثال بنگرید به ویلیامسون (۲۰۰۲ و ۲۰۰۰).

می‌کند. در این نمودار h معیاری است که به‌وسیله‌ی آن مخاطرات قراردادی از طریق دارایی‌هایی که برای مبادله‌ای خاص تهیه شده، نشان داده می‌شود. اگر برای پشتیبانی از مبادله‌ای خاص، نیاز به سرمایه‌گذاری ویژه نباشد، آن‌گاه h مساوی صفر است. در این صورت نقطه‌ی A به‌عنوان بازار خالص^۱ برای مبادلات عمومی یا مبادلات ایده‌آل انتخاب می‌شود. در این نقطه طرفین به هم وابستگی نداشته و منافع مبادله می‌تواند از طریق رقابت تأمین شود. اگر مبادله نیازمند سرمایه‌گذاری یا فناوری خاص باشد، آن‌گاه $h > 0$ است. در این شرایط مبادله در بردارنده‌ی مخاطرات قراردادی است. هم‌چنین اگر پوشش و حفاظت^۲ مشتمل بر تضمین‌ها برای تأمین امنیت مبادله با s نشان داده شود، آن‌گاه اگر $s = 0$ باشد به نقطه‌ی B دست یافت. در این نقطه خطر مستمر^۳ وجود دارد. اگر $s > 0$ باشد، بدین معناست که برای حفاظت از مبادله با صرف هزینه، تضمین‌هایی در نظر گرفته شده است. در نظر گرفتن هزینه‌ی ریسک توسط عوامل اقتصادی، بسته به مورد، مبادله را به نقاط C یا D رهنمون می‌کند. در نقطه‌ی C از طریق حفاظت بازاری^۴ می‌توان به قرارداد معتبر^۵ رسید. برای مثال در این نقطه قراردادهای بلندمدت به همراه تضمین‌های لازم مشاهده می‌شود. در نقطه‌ی C قراردادهای بلندمدت می‌شوند که در مواجهه با خطرهای احتمالی مبادله‌ی ذیربط، به اصطلاح در بردارنده‌ی بیمه‌ی مطمئن باشند. اگر به هر دلیل مبادله نتواند از طریق نقطه‌ی C انجام شود، ناگزیر می‌توان با روش اداری^۶ به نقطه‌ی D رسید. در این نقطه‌ی ادغام^۷، سلسله مراتب^۸ مراتب^۸ یا مالکیت واحد به عنوان نقطه‌ی نهایی یا گزینه‌ی نهایی مبادله انتخاب خواهد شد.

توجه به یک نکته حائز اهمیت است و آن این‌که انتخاب گزینه‌ی سازمان‌دهی سلسله مراتب (نقطه‌ی D)، بدون هزینه نیست و بنگاه در قبال چشم‌پوشی از هزینه‌ی مبادلات بازاری و قراردادهای بلندمدت، به گزینه‌ی افزایش هزینه‌های بوروکراسی داخلی روی می‌آورد^۹. لذا بنگاه تمایل دارد تا حد ممکن از انتخاب گزینه‌ی بوروکراسی

1- Unassisted market.

2- Safeguard.

3- Unrelieved hazard.

4- Market Safeguard.

5- Credible contracting.

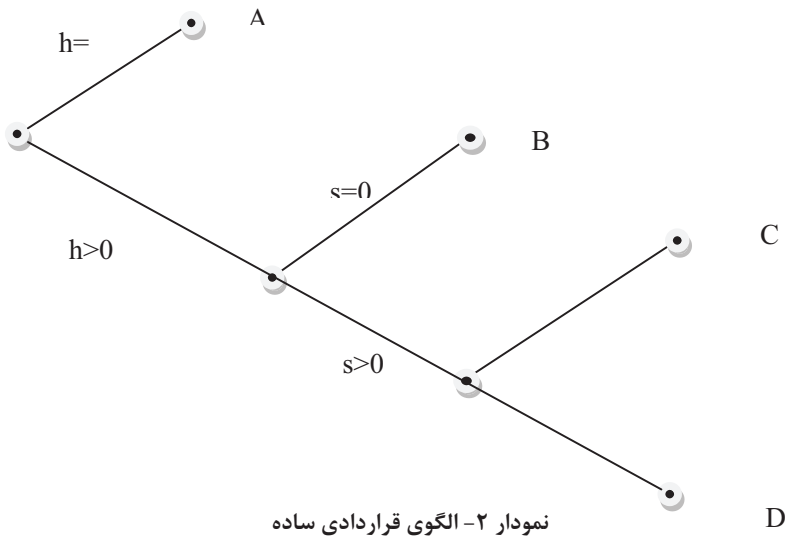
6- Administrative.

7- Integration.

8- Hierarchy.

۹- برای مطالعات بیشتر در این زمینه بنگرید به مستن و دیگران (۱۹۹۱). در مقاله‌ی آن‌ها هزینه‌های سازماندهی بدیل برآورد شده است.

داخلی به دلیل هزینه‌های آن دوری گزینند؛ مگر این که گزینه‌ی سلسله مراتب در مقابل راه‌حل‌های جایگزین بازار و قراردادهای (بلندمدت) در بردارنده‌ی هزینه‌های سازمان‌دهی کم‌تری باشد. در حقیقت اختصاصی بودن بالای دارایی که نیازمند سرمایه‌گذاری قابل توجهی نیز می‌باشد. همراه با عدم اطمینان بالا می‌تواند گزینه‌ی سازمان‌دهی از طریق سلسله مراتب را دیکته کند.^۱



در پایان این قسمت ارائه‌ی چند نکته در مورد مقایسه‌ی مکاتب اقتصاد نئوکلاسیک و اقتصاد هزینه‌ی مبادله و همچنین تعریف خود مفهوم هزینه‌ی مبادله مفید خواهد بود. اقتصاد نئوکلاسیک، معمولاً مقدار (مشمول بر مقدار محصول، مقدار نهاده‌ها یا مقدار مصرف) را به عنوان واحد تحلیل در نظر می‌گیرد، اما مکتب اقتصاد هزینه‌ی مبادله واحد تحلیل را "مبادله" قرار داده است. در این قیاس گفته می‌شود که اقتصاد نئوکلاسیک علم انتخاب است، در حالی که اقتصاد هزینه‌ی مبادله (و هم‌چنین مکتب

۱- هم‌چنین ویلیامسون در ارتباط با قوانین قرارداد (Contract Laws(plural)) با توجه به نظرات کارل لویلیان (KarlLlewellyn) و مسأله‌ی تطبیق در سازمان با توجه به نظرات هایک و چستر برنارد نیز نظرات جالبی دارد که به دلیل اختصار از ارائه‌ی آن‌ها چشم‌پوشی می‌شود. برای مطالعه‌ی بیش‌تر به ویلیامسون (۲۰۰۹) مراجعه شود.

انتخاب عمومی)^۱ را علم قرارداد نامیده‌اند، بنابراین اقتصاد نئوکلاسیک علم انتخابی است که مقدار را به عنوان واحد تحلیل پذیرفته، اما اقتصاد هزینه‌ی مبادله علم قراردادی است که واحد تحلیل را مبادله قرار داده است. در نظر اقتصاد نئوکلاسیک بنگاه یک تابع تولید با ساخت فنی است اما اقتصاد هزینه‌ی مبادله بنگاه را یک ساختار سازمان‌دهی می‌داند. به عبارت دیگر در سطح چهارم تحلیل اجتماعی، از ابزار بهینگی که به‌طور عمده مشتمل بر تحلیل نهایی است، استفاده می‌شود و لذا در این سطح، بنگاه یک جعبه‌ی سیاه در حکم یک تابع تولید است. در این سطح استفاده از تحلیل‌های نئوکلاسیک کارآمد است، چرا که تعدیل‌های لازم در واکنش به قیمت و مقدار به گونه‌ای پیوسته رخ می‌دهد. از سوی دیگر در اقتصاد هزینه‌ی مبادله، تحلیل ساختار سازمان‌دهی، ماهیتی گسسته داشته است و لذا ویلیامسون اعتقاد دارد که بایستی بین تحلیل گسسته‌ی اقتصاد هزینه‌ی مبادله و تحلیل پیوسته‌ی اقتصاد نئوکلاسیک واقع در سطح چهارم تحلیل اجتماعی، تفاوت قائل شد. در اقتصاد نئوکلاسیک، هزینه‌ها به دو گروه صریح و ضمنی (فرصت) تقسیم‌بندی می‌شوند. در مقابل از زاویه‌ی دید اقتصاد هزینه‌ی مبادله همه‌ی هزینه‌های به نوعی هزینه‌ی فرصت هستند و به دو گروه هزینه‌های تولیدی و مبادلاتی^۲ تقسیم‌بندی می‌شوند. هزینه‌های مبادلاتی را می‌توان هزینه‌هایی دانست که درجه‌ی سهولت امکان توافق بین افراد به منظور نیل به اهداف متقابل مطلوب و یا حل مناقشات فی‌مابین را کاهش می‌دهند. هم‌چنین می‌توان گفت که هزینه‌های مبادلاتی مشتمل بر هزینه‌هایی هستند که هنگام تعاملات در هر محیط نهادی یا سازمانی تحمل می‌شوند. لازم به ذکر است که تعریف خود هزینه‌های مبادلاتی از موضوعات چالش برانگیز است، چرا که هزینه‌های مبادلاتی دربردارنده‌ی دو معنای بسیار متفاوت هستند. بدین صورت که از یک‌سو هزینه‌های مبادلاتی معنای طبیعی هزینه‌های همراه با مجموعه‌ای از فعالیت‌های درگیر در مبادله را دارند، اما از سوی دیگر این هزینه‌ها را می‌توان یک کسری^۳ از وضعیت عملکرد کامل نهادها به حساب آورد. به عبارت دیگر در این حالت هزینه‌های مبادلاتی به نوعی معادل ما به‌التفاوت ستانده‌ی حالت بهینه از وضع موجود قلمداد می‌شوند. طبق نظر آرو (۱۹۷۰)، هزینه‌های مبادلاتی

۱- برای دیدن توضیحاتی پیرامون مکتب انتخاب عمومی بنگرید به نادران و شکوهی (۱۳۸۹).

2- Production and Transaction Costs.

3- A Shortfall.

مانند هزینه‌های کارکرد سیستم اقتصادی هستند. هم‌چنین ویلیامسون^۱ عقیده دارد هزینه‌های مبادلاتی، معادل اقتصادی اصطکاک در سیستم‌های فیزیکی می‌باشند که در این ارتباط نظرات متنوع هستند.^۲

۴- سیر تحول نظریات ویلیامسون

به تقریب طی پنج دهه‌ی گذشته ویلیامسون مسیری را طراحی کرده تا اقتصاددانان را به تفکر بیش‌تر پیرامون بنگاه‌ها، قراردادهای و اقتصاد سازمان‌ها ترغیب نماید. در دستاورد دکترای ویلیامسون که در سال ۱۹۶۴ با عنوان اقتصاد رفتار بسته به صلاح دید: اهداف مدیریتی در تئوری بنگاه^۳ منتشر شده است، او یکی از فروض بنیادی تئوری جعبه سیاه بنگاه^۴ را در مورد این که مدیران سود را حداکثر می‌کنند^۵، مورد پرسش قرار داده است. وی به جای این مطلب استدلال کرده است که امکان دارد مدیران بودجه را در مواردی خرج کنند که منافع خود را به هزینه‌ی سود افزایش دهند. استدلال‌های ویلیامسون و تلاش‌هایش در پیوند آن‌ها با پدیده‌های واقعی، دو دهه پیش از ادبیات تأثیرگذار سلطه‌گری^۶ در تأمین مالی شرکتی رخ داده است. مقاله‌ی او مسیری را برای کارهای درخشان آکادمیکی به وجود آورده است که در بردارنده‌ی نقش تغییر راه اقتصاددانان و دانشجویان به دیدگاه تئوری سازمان و بنگاه‌های فعال و روابط قراردادی می‌باشد. در مقاله‌ی تأثیرگذار ۱۹۷۱ با عنوان ادغام عمودی تولید: بررسی‌های شکست بازار، ویلیامسون، با این دیدگاه سیاست ضدانحصار که ادغام‌ها بد هستند چون قدرت انحصاری پدید می‌آورند، چالشی را شروع کرد که شالوده‌ای برای دو کتاب تأثیرگذار و پراستناد او با عناوین بازارها و سلسله مراتب‌ها: تحلیل و دلالت‌های ضدتراست (۱۹۷۵) و نهادهای اقتصادی سرمایه‌داری (۱۹۸۵)، مهیا کرده است. در این کتاب‌ها ویلیامسون

۱- ویلیامسون (۱۹۸۵)، ص ۱۹.

۲- برای مطالعه‌ی بیش‌تر پیرامون ماهیت و تعریف هزینه‌های مبادلاتی بنگرید به ویکتور گلدبرگ (۱۹۸۵)، مستن (۲۰۰۸) و کوتر و یولن (۲۰۰۷).

3- The Economics of Discretionary Behavior: Managerial Objectives in a Theory of the Firm

4- The black-box theory of the firm.

۵- گفته‌های کتب اقتصاد خرد مبنی بر این که هدف حداکثر سازی سود است، از سوی محققان مدیریت مالی مورد انتقاد قرار گرفته است. مؤلفان متعدد کتب مدیریت مالی معمولاً اعتقاد دارند که هدف بنگاه به جای حداکثر سازی سود، حداکثرسازی ثروت سهام‌داران است.

6- Empire-building.

ایده‌ی هزینه‌ی مبادله‌ی کوز را به طرز کار واقعی بنگاه‌ها پیوند زده است. ویلیامسون استدلال می‌کند که ترکیب دو عامل، از توانایی بنگاه برای مبادله از طریق بازار ممانعت به عمل می‌آورد: اول ناقص بودن قراردادهای بنگاه که بیانگر نیاز به تعدیل است و دوم این‌که اختصاصی بودن دارایی، بیانگر یک دگرگونی اساسی^۱ می‌باشد که روابط را از حالت رقابت یا وجود انواع مختلف پیشنهادهای قیمتی دور کرده و مذاکرات را با شرایط انحصار دو جانبه و انواع محدود چانه‌زنی قرار می‌دهد.^۲ این شکست بازار نکته‌ی کلیدی فهم علت این است که چرا برخی از بنگاه‌ها دست به ادغام می‌زنند. هم‌چنین مشاهده‌ی ویلیامسون مبنی بر این‌که مداخله‌ی گزینشی^۳ نمی‌تواند انجام گیرد، قابل توجه می‌باشد: یک بنگاه بزرگ نمی‌تواند هرکاری را که گروهی از بنگاه‌های کوچک می‌توانند به عمل برسانند، انجام دهد، اما تشخیص هزینه‌های ادغام بیش‌تر چالش برانگیز بود. در سال ۱۹۸۶، گروسمن و هارت^۴، یک راه حل رسمی را برای معمای مداخله‌ی گزینشی بر مبنای برخی از بصیرت‌های پیشین ویلیامسون پیشنهاد کرده‌اند، در سال ۱۹۷۶، ویلیامسون، مقاله‌ی تأثیرگذار دیگری را با عنوان پیشنهاد اعطای امتیاز در مناقصه برای انحصارات طبیعی - به طور کلی و با نسبت به CATV^۵ منتشر نمود که اشتیاق ناب او به پیوند ایده‌های بنیادی اقتصاد هزینه‌ی مبادله با سیاست‌گذاری تنظیم (مقررات)^۶ را بیان می‌کند. ویلیامسون، نظر مکتب شیکاگو در ارتباط با یک انحصار طبیعی مثل تلویزیون کابلی، که بیان می‌دارد امتیاز باید به بالاترین پیشنهاددهنده رقابتی اعطا شود را رد کرده است، او با مطالعه‌ی ایالات اوکلند و کالیفرنیا به عنوان مطالعه‌ی موردی نشان می‌دهد که در یک محیط پیچیده که انعقاد قراردادهای کامل، غیرممکن و تنظیم مقررات نیز مشکل است، بهتر است که پیشنهاد اعطای امتیاز در مناقصه انعطاف‌ناپذیر باشد. تأثیرگذاری ویلیامسون از طریق توسعه‌ی اقتصاد هزینه‌ی مبادله به فراتر از

1- Fundamental Transformation.

۲- برای توضیحات بیش‌تر برای مثال بنگرید به بزانکو و دیگران (۲۰۰۴)، فصل سوم. می‌توان گفت که بعد از سرمایه‌گذاری در دارایی‌های مبتنی بر روابط اختصاصی به نوعی روابط طرفین از انتخاب آزاد و رقابتی خارج می‌شود.

3- Selective intervention.

4- Grossman and Hart.

۵- لازم به ذکر است که CATV به عنوان تلویزیون کابلی (Cable TV) شناخته می‌شود. هم‌چنین بدان انجمن آنتن تلویزیون (Community Antenna Television) و یا اخیراً انجمن دسترسی تلویزیون (Community Access Television) نیز می‌گویند.

6- Regulation Policy.

مرزهای علم اقتصاد نیز کشیده شده است. مطالعات او به شدت بر محققان سازمان در جامعه‌شناسی و بر پژوهش‌گران و پژوهندگان قرارداد و حقوق شرکتی تأثیرگذار بوده است. سهم مهم اولیور ویلیامسون همراه با تلاش ادامه‌دار او جهت ارتقاء بیش‌تر دانش، او را تبدیل به یک عضو ارزشمند انجمن اعضای نامدار^۱ کرده است. سرانجام اولیور ویلیامسون در سال ۲۰۰۹ به همراه خانم الینور اوستروم^۲ به دریافت جایزه‌ی نوبل اقتصاد به دلیل تحلیل اقتصادی سازمان‌دهی بخصوص در ارتباط با مرزهای بنگاه نائل آمده است.^۳

۵- خلاصه و نتیجه‌گیری

در این مقاله، جایگاه و نظریات یکی از رویکردهای اقتصاد نهادگرایی جدید با عنوان "اقتصاد هزینه‌ی مبادله" معرفی و مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. جمع‌بندی چارچوب کلی مقاله‌ی حاضر را می‌توان چنین بیان داشت: اقتصاد هزینه‌ی مبادله بر مبنای دو فرض اصلی خود، یعنی عقلانیت محدود و فرصت‌طلبی که زمینه‌ساز نقض قراردادها هستند و در نظر گرفتن واحد تحلیل مبادله (واحد نهایی فعالیت متأثر از اصول سه‌گانه کامونز (تضاد، دوطرفه بودن و نظم) و هم‌چنین توجه به ویژگی‌های مبادلات به عنوان عوامل تعیین‌کننده‌ی ساختار سازمان‌دهی، روش خود را ارائه کرده و ساختار سازمان‌دهی نهاد سازمان را به طور عمده متأثر از سه عامل اختصاصی بودن دارایی، عدم اطمینان و تکرار مبادلات می‌داند. به عبارت دیگر این ویژگی‌های مبادله هستند که تعیین‌کننده‌ی سطح هزینه‌های مبادلاتی بوده و لذا رهنمودی مناسب، برای انتخاب شیوه‌ی سازمان‌دهی دربردارنده‌ی حداقل هزینه نیز خواهند بود. نظریه‌ی هزینه‌ی مبادله، بر خطرات یا هزینه‌های مبادله از طریق سازوکار بازار دست گذاشته و وجود احتمال خطرات مبادلات بازاری را دلیلی بر تصمیمات مدیریت در ارتباط با ادغام عمودی می‌داند. با تکیه بر این چارچوب کلی، اقتصاد هزینه‌ی مبادله توانسته است چارچوب تئوریک مناسبی برای رشته‌های مختلف علوم به عنوان دانشی میان رشته‌ای

1- The Community of Distinguished Fellows.

2- Elinor Ostrom.

۳- گیبونز (۲۰۱۰)، در مقاله‌ی خود که پس از دریافت نوبل توسط ویلیامسون انتشار یافته، به مطالعه‌ی گذشته، حال و آینده‌ی اقتصاد هزینه‌ی مبادله پرداخته است.

نیز ایجاد نماید. در یک کلام اقتصاد هزینه‌ی مبادله دانشی نسبتاً ساده، جوان و پویاست که به نظر می‌رسد آینده‌ی درخشانی داشته باشد.

۶- فهرست منابع

- ۱ - بزآنکو، درانوه، شانلی و شفر (۲۰۰۴)، اقتصاد استراتژی، ترجمه‌ی محمود متوسلی، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۵.
- ۲ - قلی‌پور، آرین (۱۳۸۴)، نهادها و سازمان‌ها (اکولوژی نهادی سازمان‌ها)، سمت.
- ۳ - کوتر، رابرت و یولن، تامس (۲۰۰۷)، حقوق و اقتصاد، ترجمه‌ی یداله دادگر و حامده اخوان هزروه، انتشارات پژوهشکده‌ی اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس و انتشارات نور علم، ۱۳۸۸.
- ۴ - نادران، الیاس و شکوهی، محمدرضا (۱۳۸۹)، تفسیری بر شالوده‌ی سیاست اقتصادی، سازوکارهای اقتصادی، نشریه‌ی تخصصی کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و اداری دبیرخانه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام، سال یکم، شماره‌ی یکم، صص ۱۷۶-۱۴۹.
- ۵ - نصیری اقدم، علی (۱۳۸۵)، اقتصاد هزینه‌ی مبادله، جستارهای اقتصادی، شماره‌ی پنج، صص ۲۱۰-۱۵۷.
- ۶ - نورث، داگلاس سی (۱۹۹۰)، نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی، مترجم محمد رضا معینی، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۵.
- ۷ - ویلیامسون، اولیور (۲۰۰۰)، اقتصاد نهادگرایی جدید: دستاوردهای گذشته و نگاهی به فرارو، ترجمه‌ی محمود متوسلی، مجله‌ی برنامه و بودجه، شماره‌ی ۷۳، ۱۳۸۱، صص ۴۱-۳.
- 8- Allen, Douglas W. and Dean Lueck. (1995), "Risk Preferences and the Economics of Contracts", American Economic Review, Vol. 85, No. 2. pp. 447-451.
- 9- Arrow, Kenneth J. (1970), "The Organization of Economic Activity: Issues Pertinent to the Choice of Market versus Non-market Allocation", In Public Expenditure and Policy Analysis, eds. R. H. Haverman and J. Margolis, 51-73. Chicago, IL: Markham.
- 10- Barzel, Y. (1982). "Measurement Cost and the Organization of Markets." Journal of Law and Economics 25(April): 27-48.
- 11- Coase, Ronald. H. (1937), "The nature of the Firm" Economica 4, 386.
- 12- Coase, Ronald. H. (1960), "The Problem of Social Cost" Journal of Law and Economics 3: 1-44.

- 13- Coase, Ronald. H. (1988), "The Nature of the firm: Origin, Meaning, Influence," 4 Journal of Law, Economics and Organization 3-47.
- 14- Colombatto, Enrico (2004), "The Elgar Companion to The Economics of property Rights", (Ed.), Edward Elgar.
- 15- Commons, John R. (1932). "The Problem of Correlating Law, Economics and Ethics." Wisconsin Law Review. 8, pp. 3-26.
- 16- Douma, Sytse & Schreuder, Hein (2008). "Economic Approaches to Organizations", 4th Edition, Prentice Hall.
- 17- Fama, E. F. (1980). "Agency Problems and the Theory of the Firm." Journal of Political Economy 88: 288-307.
- 18- Fama, E. F. and M. D. Jensen (1983). "Separation of Ownership and Control." Journal of Law and Economics 26: 301-326.
- 19- Gibbons, Robert. (2010), "Transaction-Cost Economics: Past, Present, and Future?", Scand. J. of Economics, 112(2), 263-288.
- 20- Goldberg, Victor P. (1985), "Production functions, Transaction Costs and the New Institutionalism", in George R. Feiwel(Ed), "Issue in Contemporary Microeconomics and Welfare", London: Macmillan.
- 21- Grossman, S. J. and O. D. Hart (1986). "The Costs and Benefits of Ownership: A Theory of Vertical and Lateral Integration." Journal of Political Economy 94(August): 691-719.
- 22- Jensen, Michael C. and William H. Meckling, W. (1976), "Theory of the Firm: Managerial Behavior, Agency Costs, and Ownership Structure", Journal of Financial Economics 3:305-360.
- 23- Klein, Peter G. (2005), "The Make-or-Buy Decision: Lessons from Empirical Studies", In Handbook of New Institutional Economics, Edited by Menard, Claude and Mary M. Shirley, Springer, PP 435-464.
- 24- Macher, Jeffrey T. and Richman, Barak D. (2008), "Transaction Cost Economics: An Assessment of Empirical Research in the Social Sciences", Business and Politics, Vol. 10, PP 1-63.
- 25- Masten, S. E., J. W. Meehan and E. A. Snyder (1991). "The Costs of Organization." Journal of Law, Economics and Organization 7: 1-25.
- 26- Masten, Scott. E. (2008), "Transaction Cost," entry in International Encyclopedia of the Social Sciences. Ed. William A. Darity, Jr. Vol. 8. 2nd ed. Detroit: Macmillan Reference USA, 2008. Pp. 426-427.
- 27- Menard, Claude. And Mary M. Shirley (2005), "Handbook of New Institutional Economics", Springer.
- 28- Shelanski, H. A. and P. G. Klein (1995), "Empirical Research in Transaction Cost Economics", Journal of Law, Economics, and Organization 11: 335-361.
- 29- Williamson, Oliver. E. (1964), "The Economics of Discretionary Behavior: Managerial Objectives in a Theory of the Firm", Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
- 30- Williamson, Oliver. E. (1971), "The Vertical Integration of Production: Market Failure Considerations", American Economic Review, 61, 112-23.

- 31- Williamson, Oliver. E. (1975), *Markets and Hierarchies: Analysis and Antitrust Implications*. New York, NY: The Free Press.
- 32- Williamson, Oliver. E. (1976), "Franchise Bidding for Natural Monopolies: In General and with Respect to CATV." *Bell Journal of Economics* 7(1): 73-104.
- 33- Williamson, Oliver. E. (1979), "Transaction-Cost Economics: The Governance of Contractual Relations." *Journal of Law and Economics* 22(October): 233-261.
- 34- Williamson, Oliver. E. (1983), "Credible Commitments: Using Hostage to Support Exchange", *American Economic Review*, 73: 519-540.
- 35- Williamson, Oliver. E. (1985), "The Economic Institutions of Capitalism: Firms, Markets, Relational Contracting", New York: The Free Press.
- 36- Williamson, Oliver. E. (1986), "Economic organization", Washington Square, NY: NYU press.
- 37- Williamson, Oliver. E. (1989), "Transaction Costs Economics," in Richard Schmalensee and Robert D. Willig, eds., *Handbook of Industrial Organization*. Amsterdam: North-Holland, 1989, pp. 135-82.
- 38- Williamson, Oliver. E. (1991), "Comparative Economic Organization: The Analysis of Discrete Structural Alternatives," *Administrative Science Quarterly*, 36 (2): 269-296.
- 39- Williamson, Oliver. E. (1996), "The Mechanisms of Governance", New York, NY: Oxford University Press.
- 40- Williamson, Oliver. E. (2000), "The New Institutional Economics: Taking Stock, Looking Ahead," *Journal of Economic Literature*, 38(3): 595-613.
- 41- Williamson, Oliver. E. (2002), "The Theory of the Firm as Governance Structure: From Choice to Contract," *Journal of Economic Perspectives*, 16(3): 171-195.
- 42- Williamson, Oliver. E. (2005a), "The Economics of governance", *The American Economic Review*, Vol. 95, No. 2, pp. 1-18.
- 43- Williamson, Oliver. E. (2005b), "Transaction Cost Economics", in *Handbook of new Institutional Economics*, Edited by Menard, Claude and Mary M. Shirley, Springer. PP 41-65.
- 44- Williamson, Oliver. E. (2009), "Transaction Cost Economics: The Natural Progression", Nobel Prize Lecture.